مفهوم نبوّت در عهد عتیق و زبان عبری با مقایسه در قرآن

شیرین رجب‌زاده*

حجت الله جوانی**

چکیده: نبوّت از مفاهیمی است که بین ادیان الهی مشترک است. در دو دین آسمانی یهود و اسلام، خداوند فردی را که نبیّ اوست انتخاب می‌کند تا پیامش را به مردم برساند و آنان را در مسیر هدایت و کمال قرار دهد. در مقایسهٔ این مفهوم در این دو دین الهی، به وجوه اشتراک و افتراقی برمی‌خوریم: در هر دو دین، نبیّ الهی متّصف به اوصاف الهی است، نبیّ الهی برای رسیدن به پیام خداوند از طرق مشابهی بهره می‌گیرد، در هنگام دریافت وحی الهی، ثقل وحی موجب تغییر احوال او می‌شود و در هر دو دین، انبیای الهی از مراتب و درجاتی برخوردار هستند.

در عین حال، اختلافاتی نیز مشاهده می‌شود؛ ازجمله اینکه در دین یهود، علاوه بر مردان در میان زنان نیز نبوّت رایج است، انبیای

*. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکدهٔ الهیات دانشگاه الزهرا علیها السلام.

Email : sh.rajabzade@yahoo.com

. استادیار دانشکدهٔ الهیات دانشگاه الزهرا علیها السلام. ***Email : hojjatollahj@alzahra.ac.ir*

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

بنی‌اسرائیل به‌طور گروهی و دسته‌جمعی نبوّت می‌کنند و دچار خلسهٔ گروهی می‌شوند. در عهد عتیق علاوه بر نبوّت الهی و راستین بحث نبوّت دروغین مشاهده می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن / عهد عتیق / نبوّت / نبی / تشابه / افتراق.

۱. طرح مسئله

با توجّه به اهمیّت موضوعی و کلیدی مفهوم نبوّت در دو دین بزرگ اسلام و یهود، بررسی مفهوم نبوّت و جایگاه انبیاء در این دو دین، امری ضروری و حائز اهمیّت است. توضیح مطلب اینکه با توجّه به متن‌محور بودنِ اسلام و یهود، جایگاه انبیاء به‌عنوان پیام‌آوران و القاکنندگان این متون دینی به لحاظ معرفتی غیرقابل چشم‌پوشی است. به عبارت بهتر، درک متون دینی اسلام و یهود، تنها از طریق فهم جایگاه، ویژگیها، کارکرد و آثار نبوّت و انبیاء در این دو دین میسّر است.

خداوند در هر دو دین فردی را به‌عنوان نبی انتخاب می‌کند تا کلام خود را در قالب گفتار به بشر برساند و آنان را در مسیر کمال و هدایت قرار دهد. این شخص از سایر افراد متفاوت است و متّصف به صفاتی است که الهی بودن او و آمدنش از سوی خداوند را می‌رساند. او با استفاده از طرق خاصّی به پیام الهی رهنمون می‌شود و آن را در اختیار سایر افراد قرار می‌دهد.

در هر دو دین، نبوّت از جایگاه خاصّی برخوردار است و در کتب دینی‌شان به کرّات به آن اشاره شده است؛ ولی در اموری مشترک و در اموری متفاوت است که هر دو، جای بررسی دارد. این پژوهش به تبیین واژه، مفهوم، اصطلاح و تشابه و تفاوت مفهوم نبی و انبیاء در این دو دین می‌پردازد.

۲. نبوّت

نبوّت هدیه‌ای است الهی که در قرآن و عهد عتیق مطرح است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

۲ـ۱) نبوّت در قرآن

خداوند اشخاصی را برمی‌گزیند و به آنان دانشی فراتر از افق فکری بشر، همراه با دلایل و نشانه‌های قطعی به صورت وحی عنایت می‌کند.

نبوّت از «نبو» اقتباس شده است؛ یعنی هر جای زمین که برآمده و بلند باشد. بنابراین نبوّت شأن و مقام عالی است؛ از این‌رو نبی بلند پایه و گرامی است. (ابن‌بابویه، ج ۱، ص ۲۲۶، باب ۴۸، ح ۱) نبوّت حالتی است الهی و غیبی که نسبتش به حالت عمومی انسانها نسبت بیداری است به خواب که شخص نبی به مدد آن معارفی را درک می‌کند و به‌وسیلهٔ آن اختلافها و تضادها در حیات بشر مرتفع می‌گردد. این ادراک از طریق وحی گرفته می‌شود و فیض الهی است که با کوشش و ریاضت کسب نمی‌شود (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ بلکه کمالی است که خداوند به بعضی از بندگان عطا می‌کند، به منظور اینکه حقایق و معارف را که از مبدأ علم و مرکز حقیقت در جهان پخش می‌شود، بگیرند و به دیگران برسانند. (صفایی، ص ۵ و ۵۵)

پاره‌ای از اهداف ارسال رسل و نبوّت الهی چنین است: تکامل انسانها (انعام (۶) / ۹۱)، اتمام حجّت (نساء (۴) / ۱۶۵)، از بین بردن اختلاف بین انسانها (بقره (۲) / ۲۱۳)، رهنمون شدن به راههای سعادت و رهایی (مائده (۵) / ۱۶)، برداشتن قید و بندها (اعراف (۷) / ۱۵۷)، روی آوردن مردم به انصاف و دادگری (حدید (۵۷) / ۲۵)، رهانیدن انسانها از سلطهٔ طاغوت (زمر (۳۹) / ۱۷)، برقراری صلح و وحدت (اعراف (۷) / ۱۳۷)، تزکیهٔ مردم و تعلیم کتاب و حکمت به آنان. (بقره (۲) / ۱۲۹؛ جمعه (۶۲) / ۲)

خداوند انبیای عظام را ارسال کرد و آنان را به بشارت و انذار موظّف ساخت تا حجّت را بر مردم تمام کند و آنچه را نسبت به آن جاهل بودند، دریابند. (ابن‌بابویه، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۱) خداوند رسل را ارسال می‌کند تا مردم حجّتی بر خداوند نداشته باشند و نگویند برای ما بشیر و نذیری نیامد. انبیاء به سوی مردم فرستاده شدند تا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

به ایمان به خدا فراخوانند و حجّتی برای مردم باشند؛ در این حال، برخی هدایت می‌پذیرند و جمعی نمی‌پذیرند. (همان، ص ۴۱۶ و ۴۱۸، ح ۳ و ۵)

اساس نبوّت بر پایهٔ لطف الهی استوار است؛ زیرا عقلاً شناخت مصلحت و دفع مفسده ضرورت دارد. انبیاء آمده‌اند تا این‌گونه افعال را به ما بشناسانند و آنچه را خداوند در نهاد ما قرار داده است، توضیح و تفصیل دهند.

۲ـ۲) نبوّت در عهد عتیق

از آنجاکه عهد عتیق در ابتدا به زبان عبری نوشته شده است، این زبان و معادل نبوّت در این زبان مورد توجّه قرار می‌گیرد. در زبان عبری معادلی که برای واژه نبوّت وجود دارد، «نووئا»، «نیباشِ»، «حازا»، «هیتنَبا» است. (Doniach: 727)

در انگلیسی معادلی که برای نبوّت وجود دارد، prophesy , prophecy , prophethood است (البعلبکی، ص ۵۱۰؛ آریانپور کاشانی، ج ۴، ص ۳۳۵۸؛ گواهی، ص ۶۳؛ Badawi: 915) به‌معنای پیشگویی و غیبگویی از آنچه قرار است روی دهد. و این از طریق وحی الهی است؛ قدرت الهی که به نبی داده شده و با این قدرت، توانایی دارد آنچه را در آینده روی خواهد داد، بازگوید. سخن گفتن به عنوان پیامبر و واسطه بین خدا و مردم. (Little, vol. 2: 1688 ;Hamlyn: 1256 ;webster: 923) نبوّت عمل و نقش نبی و سخن گفتن به عنوان نبی و دریافت وحی از سوی خداوند و هدیهٔ الهی است. (Onions: 716 ;Willam Lan, vol. 8: 2753)

در اصطلاح عهد عتیق، نبوّت، پیش‌بینی حوادث آینده از طریق الهامات و ارسال و ابلاغ پیغامی الهی به جماعتی خاص است. (حامدی، ص ۱۸۷) نبوّت، گفتن آن چیزی است که در آینده اتّفاق خواهد افتاد و معمولاً آیندهٔ دور مدّنظر است؛ به‌علاوه، نبوّت به پیامهایی اشاره دارد که انسان از خداوند دریافت می‌کند. (Ellwood: 280) نبوّت تنها توان نگاه به آینده نیست، بلکه تفسیر و توضیح پیامهای الهی است. (Wigoder: 623)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

ماهیّت نبوّت بر این اساس استوار است که خداوند، انسانها را به حال خود رها نکرده است؛ بلکه برای آنان راهنمای الهی فرستاده است. خداوند به نبی موهبت دریافت پیام الهی و انتقال آن را به دیگران عطا کرده است. رسول از سوی خداوند انتخاب می‌شود و باید پیام خداوند را به مردم برساند و طبق خواست خداوند عمل کند؛ چرا که تقدیر او این است که مسئولیّت الهی را بپذیرد. نبی محرم اسرار الهی می‌شود؛ زمانی سخن می‌گوید که از سوی خداوند به او فرمان داده شود (تثنیه ۵: ۵)[1] و باید وظیفهٔ خطیر خود را در حفظ و نگهداری پیام الهی به انجام رساند. (Paul & Sperling, vol.16: 567)

هدف مشترک رسالت تمام انبیای بنی‌اسرائیل، این است که سراسر زندگی قومی، اجتماعی و سیاسی را با توجّه به فرمانهای الهی شکل دهند. (Landman vol.8: 659) هدف واقعی پیامبران این بود که دین یهوه را به‌عنوان خدای ابدی، حمایت و تأیید کنند و رهبری معنوی مردم را به‌دست گیرند بنابراین، عملکرد پیامبران انجام وظیفه‌ای در بالاترین سطح مذهبی و کارکردن برای متعالی‌ترین آرمانهای تمدن بشری بود. (Konig, vol.10: 387)

۳. نبی

در هر دو دین الهی، فرد نبی واسطهٔ دریافت وحی و رابط بین خدا و سایر مردم است.

۳ـ۱) نبی در قرآن

نبی در لغت از ریشهٔ «نبا» یا «نبو» اخذ شده است. «نبا» در اصل به معنای رفتن از مکانی به مکان دیگر است. به خبر نیز نبأ گویند، زیرا از مکانی به مکان دیگر می‌رود. نبی اگر از نبا اخذ شده باشد، به معنی خبرآورنده از خداوند است. نبی بر وزن فعیل

۱. من به‌عنوان واسطه‌ای بین شما و خداوند ایستاده‌ام... او با من سخن گفت و من قوانینش را به شما سپردم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

به معنای فاعل است. اگر نبی از «نبو» باشد، منظور رفعت و بلندی است و نبی را به سبب جایگاه بلند او نسبت به سایر مردم، به این اسم خوانند. پس نبی صاحب خبری است که مقام و منزلت والا دارد. (فراهیدی، ج ۸، ص ۳۸۲؛ ابن‌منظور، ج ۱، ص ۱۶۳؛ راغب اصفهانی، ص ۷۸۹؛ طریحی، ج ۱، ص ۴۰۵؛ مصطفوی، ج ۱۲، ص ۱۴ و ۱۵)

واژهٔ نبی ۵۴ مرتبه، نبیّون ۱۶ مرتبه و انبیاء و نبوة ۵ مرتبه در قرآن به‌کار رفته است (914:2008Badawi)

در اصطلاح، نبی بنده‌ای است که خداوند او را برگزیده و به او وحی می‌کند، تا وحی الهی را به دیگران القا کند.

۳ـ۲) نبی در عهد عتیق

معادل عبری که برای واژهٔ نبی به کار می‌رود «ناوی» است. (Doniach: 272) این کلمه از ریشهٔ "naba" گرفته شده است به معنای برجسته و مرتفع. در این معنا فرد نبی کسی است که از طرف خدا انتخاب شده و در میان سایر بندگان، به این علّت که از سوی خدا انتخاب شده و در سخن‌گفتن و دریافت وحی الهی برجسته است؛ یا از ریشهٔ "nobu" است به معنی نامیده شدن که در این صورت، نبی کسی است که از طرف خدا خوانده شده است؛ یا از ریشهٔ "nabu" است به معنای خبر دادن و اعلام کردن. و در این معنا نبی شخصی است که از پیام الهی خبر می‌دهد و آن را اعلام می‌کند (رامیار، ص ۳؛ Florlong, vol.2: 31 ;Willam Lane, vol.8: 2753)

معادل انگلیسی این واژه "prophet" است (البعلبکی، ص ۵۱۰؛ آریانپور کاشانی، ج ۴، ص ۳۳۵۸؛ گواهی، ص ۶۳؛ Badawi، ص ۹۱۵) به‌معنای فردی است که وحی الهی را دریافت می‌کند و از اخبار آینده خبر می‌دهد. او مدّعی است که از حوادث آینده اطّلاع دارد. از جانب خدا سخن می‌گوید و احکام او را انتقال می‌دهد، از سوی خداوند فرستاده شده تا مردم را تربیت کند و پیام خداوند را به آنان برساند. (Little, vol.2: 1688 ;Hamlyn: 1256 ;Webster: 923)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

در اصطلاح عهد عتیق، نبی کسی است که به وی الهام می‌شود تا پیغامی را از موجودی الهی بیان کند. (حامدی، ص ۱۸۷). فرد نبی وظایف انسان در قبال خداوند و ثمرهٔ فرمانبرداری را که پاداش الهی است و عدم فرمانبرداری را که مجازات الهی است، بیان می‌کند. (Forlong, vol.3: 152) نبی، کسی است که بیانگر تجلی ارادهٔ الهی است و مفسّر رؤیا و وحی بوده و کاشف رازهای مقدّس الهی و دنیای ماوراء است که از چشم افراد عادی پنهان است و صداهای ماورائی را می‌شنود، از طریق خلسه و وحی از اموری با خبر می‌شود که در مورد آن به مردم هشدار می‌دهد تا تصمیم درست بگیرند. (Dawson 66&68:1948)

۴. وجوه تشابه نبوّت و انبیاء در قرآن و عهد عتیق

بعد از بررسی نبوّت در هر دو کتاب، وجوه اشتراکی در این زمینه در هر دو دین دیده می‌شود:

۴ـ۱) اوصاف انبیاء

از وجوه تشابه قرآن و عهد عتیق در زمینهٔ نبوّت و انبیاء، این است که در هر دو دین، نبی الهی متّصف به اوصافی است که مشترک بین این دو دین است.

۴ـ۱ـ۱) اوصاف انبیاء در قرآن

نبی الهی فردی است که به علم غیب متّصف است و این علم در طول علم الهی و به اذن و تعلیم اوست. خداوند هر زمان که بخواهد، از میان پیامبرانش، کسانی را انتخاب می‌کند وگوشه‌ای از علم غیب خود را در اختیار آنان قرار می‌دهد. پیامبران ذاتاً عالم به غیب نیستند و به این خاطر نفی علم از خود می‌کنند و مقدار آگاهی آنها بسته به مشیّت خداوند است. منظور از مشیّت و خواست خدا، همان ارادهٔ آمیخته با حکمت است. یعنی خدا هر کس را شایسته ببیند و حکمتش اقتضا کند، به اسرار غیب آگاه می‌سازد. (مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۱۸۸)

نبی الهی از عصمت برخوردار است و صدور گناه از او امکان ندارد، چرا که ملکهٔ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

عفت مانع از گناه می شود. او علم به گناه دارد و عواقب ارتکاب گناه را می داند. نبی الهی هم در عمل و هم در ابلاغ و دریافت وحی معصوم است و منزه از هرگونه خطایی است. (صفایی، ص ۱۰۳ و ۱۰۴)

پیامبران نسبت به مردم دلسوز بودند و از گمراهی آنان اندوهناک بودند. آرزویشان هدایت تمامی مردم بود و در این راه صبر و شکیبایی می‌کردند. آنها نماد اخلاق و فضایل اخلاقی بودند، در برخورد با مردم همواره ادب را رعایت می‌کردند، لحنشان در عین قاطعیّت عاری از الفاظ زشت و زننده بود، حتّی در برابر اهانتهای سایرین الفاظ لغو بر زبان جاری نمی‌کردند. (نصری، ص ۲۴۷ـ۲۹۱)

۴ـ۱ـ۲) اوصاف انبیاء در عهد عتیق

از مهم‌ترین اوصاف انبیاء، زندگی ساده و بی‌آلایش آنان است. پیامبران یهود در منازلی عادی مانند دیگران زندگی می‌کردند (سموئیل۷: ۷۲[۱])، از غذاهای ساده‌ای که مردم به آنان می دادند می خوردند و خرقهٔ پشمی و کمربند چرمی به تن می‌کردند. گاهی علامتی بر پیشانی داشتند و آثار زخم در دستهایشان دیده می شد؛ زخمهایی که در هنگام دریافت وحی به خود می‌زدند و حتی گاهی لباس تنشان پاره بود. (سموئیل۱۹: ۲۴[۲])

انبیاء برای اِحکام خداپرستی انصاف به خرج می دادند، فروتن بودند، رحمت و شفقت داشتند (میکاه۶: ۸[۳]) خداوند دلی نرم و مهربان به آنان داده بود (ارمیا۲۴: ۷[۴]) بی‌باک و شجاع بودند و از اثبات مأموریّت خود به پادشاهان، کشیشان، ثروتمندان و دشمنان ترسی نداشتند؛ از این‌رو بسیار آزار می دیدند و سختی می‌کشیدند. (Wigoder: 623)

۱. به خانهٔ خود در رامه برمی‌گشت و در آنجا به حلّ مشکلات بنی‌اسرائیل می‌پرداخت.
۲. او جامه خود را چاک زده، تمام آن روز تا شب برهنه افتاد...
۳. آنچه او از ما می‌خواهد این است که رحم و انصاف داشته باشیم و با کمال فروتنی احکامش را به‌جا آوریم.
۴. به ایشان دلی خواهم داد که مشتاق شناخت من باشد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

پیامبر سرشار از مهربانی است؛ مشکلات مردم را نزد خداوند بازگو می‌کند و رفع آن را از خداوند خواهان است. برای افرادی که مورد لعن خداوند قرارگرفته‌اند، دلسوزی می‌کند و به آنان هشدار می‌دهد که از گناه دست بردارند. (Paul&Sperling, vol. 16: 577)

علم پیامبران از جانب خداوند در حدی بود که به مردم خبر می‌دادند از آنچه بر سر آنان و حکمرانانشان خواهد آمد. این اتّفاقات را پیامد عملکرد و گناه آنها می‌دانستند که آنها را به سوی جامعه مشقت بار سوق می‌داد. پیامبران تذکر خداوند را انتقال می‌دادند و وقایع مهم زمان خود را بیان می‌کردند. (Wigoder: 623)

۴ـ۲) مراتب انبیاء

در قرآن و عهد عتیق انبیاء الهی دارای مقام و رتبهٔ الهی هستند.

۴ـ۲ـ۱) مراتب انبیاء در قرآن

در قرآن، مراتب انبیاء به این نحو مطرح است که برخی از آنان اولوا العزم‌اند و سایرین غیر اولواالعزم‌اند.

منظور از عزم، صبر است؛ یا به‌معنای عزم بر وفای به عهد، عهدی که از انبیاء گرفته شده؛ یا به معنای عزیمت، یعنی حکم و شریعت، است که این معنا از سایر معانی دقیقتر است. صاحبان حکم و شریعت پنج نفراند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمّد ﷺ، برای اینکه قرآن صاحبان شریعت را همین پنج نفر دانسته می‌فرماید: ﴿**شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذِي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهِيمَ وَ مُوسى وَ عِيسى**﴾. (شوری (۴۲) / ۱۳) شرایع الهی و آن ادیانی که مستند به وحی‌اند، تنها همین شرایع مذکور در آیه‌اند؛ یعنی شریعت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمّد ﷺ. آیه نشان می‌دهد که اوّلاً قبل از نوح شریعتی وجود نداشته تا در رفع اختلافات اجتماعی که پیش می‌آمده به‌کار رود؛ ثانیاً انبیایی که بعد از نوح علیه‌السلام و تا زمان ابراهیم علیه‌السلام مبعوث شدند، همه پیرو شریعت نوح بوده‌اند و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

انبیایی که بعد از ابراهیم و قبل از موسی مبعوث شده بودند، تابع و پیرو شریعت ابراهیم بودند و انبیای بعد از موسی و قبل از عیسی پیرو شریعت موسی و انبیای بعد از عیسی تابع شریعت آن جناب بوده‌اند. (طباطبایی، ج ۱۸، ص ۲۹؛ ابن‌بابویه، ج ۱، ص ۴۲۲، ح ۲)

انبیای صاحب شریعت که قرآن کریم ایشان را «**أولوا العزم**» خوانده، تنها همین پنج نفرند و سایر انبیای الهی غیر اولوالعزم هستند و تابع شریعت این انبیاء می‌باشند. (همو، ج ۱۸، ص ۲۹) خدای سبحانه انبیاء را در یک درجه قرار نداده، بلکه بین آنان برتری نهاده است، بعضی برتر از بعضی دیگر هستند و بعضی پایین‌تر از بعض دیگر هستند؛ ولی همهٔ آنها مشمول فضل خدا هستند؛ چون رسالت فی‌نفسه فضیلتی است که در همهٔ آنان هست. (همو، ج ۲، ص ۳۱۰)

۴ـ۲ـ۲) مراتب انبیاء در عهد عتیق

انبیای عهد عتیق را در دو طبقه متقدّم و متأخّر میتوان تقسیم کرد:

ـ انبیای متقدّم: از پیامبران متقدّم یا پیش از دورهٔ کلاسیک، همچون سموئیل، ایلیا و الیشع با عناوینی چون رائی، مرد خدا، بینندهٔ خواب و رؤیا و نبی یاد می‌شده است. آنان آداب و رسوم زمان خود را رد نمی‌کردند و هواخواه ملیّت و قومیّت بودند و تعصب قومی داشتند، به‌طور گروهی زندگی می‌کردند، دچار خلسهٔ دسته جمعی می‌شدند و نبوّت دسته جمعی می‌کردند. آنان از موسیقی برای ایجاد هرچه بیشتر این احساس استفاده می کردند. (Paul & Sperling vol.16,2007:527)

ـ انبیای متأخّر: در مقابل، از انبیای متاخر همچون اشعیا و ارمیا تنها با عنوان نبی یاد می‌شده است. آنان آداب و رسوم را رد می‌کردند و خواهان یکتاپرستی بودند و از مفهوم جهانگرایی و فراقومی استفاده می‌کردند. آنان همیشه تنها دیده می‌شدند و عضو گروه خاصّی نبودند و در هنگام نبوّت و پیشگویی، پیشگویی‌های خود را سرسختانه و با حالت کنترلی بیان می‌کردند. (Paul & Sperling vol.16,2007:572)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

۵. وجوه افتراق نبوّت و انبیاء در قرآن و عهد عتیق

در عهد عتیق، نبوّت و نبی ویژگیهایی دارد که اختصاص به دین یهود دارد و در اسلام وجود ندارد.

۵ـ۱) عناوین نبی

یکی از تفاوتهای نبوّت در قرآن و عهد عتیق، اسامی و تعبیراتی است که دربارهٔ انبیاء به کار برده می‌شود که هر کدام معنا و منظور خاصّ به خود را دارد؛ ازجمله:

۱. مرد خدا، برای اشاره به برخی از پیامبران به کار می‌رفت که رابطهٔ نزدیکی با خداوند داشتند و از موهبت نبوّت بهره‌مند بودند. موسی علیه‌السلام در متونی که به کلام خداوند اشاره دارد مرد خدا نامیده شده است. (تثنیه ۳۳: ۱، تواریخ ۲۳: ۱۴) این لقب به مردی اطلاق شده است که می‌توانسته قدرت الهی را در اختیار داشته باشد و آن را در طرق خارق‌العاده‌ای به کار برد، امّا به مرور دامنهٔ آن گسترش یافت و به هر کسی که رابطهٔ خاصّی با خدا داشت اطلاق می‌شد. (Wilson, vol.12: 16-17; Smith, vol.3: 986-987)

۲. رائی، فردی است که خداوند او را قادر به دیدن و درک کردن می‌کند و قادر می‌سازد تابا خدا ارتباط برقرار کند؛ تا بتواند وقایع گذشته، حال و آینده را ببیند (Smith, vol.3: 987 ;Paul&Sperling, vol.16: 568) رائی شخص عالمی بوده که با جهان الهی در ارتباط بوده، آن هم احتمالاً به واسطهٔ رؤیاها، خوابها و پیشگویی‌هایی که برای او میسّر است. (Wilson, vol.12: 16)

۳. بینندهٔ خواب و رؤیا، این عنوان یک نام گسترده است که تقریباً به هرکس که نشانه‌ها را بداند اطلاق می‌شود و به کسانی که تعبیر خواب می‌کنند و یا الهامی به آنان می‌شود مربوط است. (Paul & Sperling, vol.61: 569) و اشاره به وحیی دارد که پیامبران از طریق الهام آن را درک کرده‌اند. (Smith, vol.3: 986)

۴. خدمتگزار خداوند (نذیره)، فردی است که فروتن و متواضع است و هدفش انجام وظایفی است که خداوند برایش تعیین کرده است. (Smith, vol.3: 986)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

۵ـ۲) نبیه

پیامبری در یهود منحصر به مردان نیست و زنان نیز می‌توانستند مهبط وحی الهی باشند و اوامر الهی را به مردم ابلاغ کنند.

در زبان عبری معادلی که برای نبیه به کار می‌رود: «نِبیا» است که در انگلیسی معادل prophetess است. (Doniach: 727) به‌معنای فردی که از طرف خدا به منظور تعلیم مردم و رساندن پیام و وحی الهی به آنان فرستاده شده و از وقایع آینده خبر می‌دهد، با این تفاوت که این فرد منصوب از سوی خدا زن است. (Hornby: 1016 ;Hamlyn: 1256 ;Webster: 923)

همان‌طور که انبیای مرد بنی‌اسرائیل «پدر» نامیده می‌شدند، پیامبران زن نیز «مادر اسرائیل» خوانده شده‌اند. شمار آنان در عهد عتیق ۵ یا ۷ تن است: ساره همسر ابراهیم، مریم خواهر موسی و هارون، دبوره قاضیه، حنه یا حنا مادر سموئیل، حلده زن شائول، استر ملکه خشایارشا، ابی‌جایل همسر داوود. (هاکس ص ۸۷۳؛ رامیار، ص ۱۰۲) ساره زوجهٔ ابراهیم (پیدایش ۱۱: ۲۹[1]) و مادر اسحاق (پیدایش ۳۱: ۲ـ۳[2]) که مادر اسرائیل خوانده شده است، مانند ابراهیم صاحب مواعید بسیار شد و برکت یافت (پیدایش ۱۷: ۱۶)، مریم دختر عمرام و خواهر موسی و هارون است (۱تواریخ ۶: ۳؛ خروج ۱۵: ۲۰). او در مقامی بود که یهوه فرستادن او را در عرض موسی و هارون بر بنی‌اسرائیل منّت نهاد (میکاه۶: ۴) و از جمله زنانی است که خداوند به وسیلهٔ او سخن گفته است، البتّه در رؤیا و خواب. (اعداد۱۲: ۲ـ۷)

دبوره همسر لفیدت بود که زیر نخل دبوره می‌نشست و بر اسرائیل داوری می‌کرد (داوران۴: ۵). وی نبیه و پیام‌آوری (داوران ۴: ۴) بود که در حکمت، تقوا و تدیّن معروف و بر اسرائیل قضاوت می‌نمود. (رامیار، ص ۱۰۴؛ فهیم کرمانی، ص ۴) حنا یا حنه

۱. ابرام با خواهر ناتنی خود سارای، و ناحور با برادرزادهٔ خویش مِلکه ازدواج کردند.

۲. ساره در زمانی که خداوند مقرّر فرموده بود، حامله شد و برای ابراهیم در سنّ پیری پسری زایید. ابراهیم پسرش را اسحاق (خنده) نام نهاد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

که همسر القانه (سموئیل ۱: ۱) و مادر سموئیل نبی (سموئیل۱: ۲۰) است. ابی‌جایل زنی زیبا و باهوش بود. در ابتدا همسر نابال کرملی بود و بعد از فوت او، در اثر مداخله‌ای که زیرکانه در ستیزه به نفع داوود کرده بود، به همسری داوود درآمد (رامیار، ص ۱۰۵) حلده که همسر شُلامِ (آبشالوم) خیاط است، پیامبر مشهوری است که در محلّهٔ دوم اورشلیم سکونت داشت. (پادشاهان ۲۲: ۱۴) او در مورد کتاب عهدی که در زمان یوشیا پادشاه اورشلیم در معبد یافت شد، مورد مشورت پادشاه (یوشیا، پادشاه با تقوا و عادل بنی‌اسرائیل) و کاهنان و کاتبان قرارگرفت. (رامیار، ص ۱۰۵) استر یا هدسه دختر ابی‌جایل است و چون پدرش درگذشت، پسرعمویش مردخای او را سرپرستی کرد. از یهودیانی بود که ترک وطن کرده بود و در شوش زندگی می‌کرد و وقتی خشایارشا از وشتی جدا شد، او را به همسری برگزید. (استر ۲: ۱ـ۱۸)

۵ـ۳) نبوّت گروهی

در عهد عتیق، با انبیائی مواجه می‌شویم که به‌طورگروهی نبوّت می‌کردند و با یکدیگر می‌زیستند و وحی را دریافت می‌کردند. نخستین گروه از آنان موسی علیه‌السلام و هارون علیه‌السلام بودند که با یکدیگر به نزد فرعون رفت و او را دعوت کردند و از او خواستند مردم مصر را رها کند. بعد از آن در مورد گروه انبیاء در زمان اتمام دوران داوران و اوایل دوران پادشاهی در زمان سموئیل سخن به میان آمده است. (Smith, vol.3: 987) از این گروه انبیاء که با یکدیگر زندگی و حرکت می‌کردند با عنوان پسران پیامبران یاد شده است. آنان همه با هم نبوّت و پیشگویی می‌کردند و خبر از آینده می‌دادند. (Paul & Sperling, vol. 16: 570) انبیای گروهی درگسترش و پیشرفت مذهب نقش داشتند: ۱. آنها آرمانهای اشخاصی چون سموئیل، ایلیا و الیشع را در میان مردم منتشر می‌کردند. ۲. در مناجاتی که بیانگر خاطرات تاریخی است، به نظر می‌رسد که آنها باهمراهی آلات موسیقی به ستایش خداوند می‌پرداختند. ۳. به احتمال بسیار زیاد آنها روح پیامبری را ثبت کردند و بسیاری از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

منابع و نوشته‌های پیامبری را جمع‌آوری کرده‌اند. (Konig, vol.10: 385)

گروه انبیاء به‌طور دسته جمعی و به سرکردگی یکی از انبیاء همچون سموئیل، ایلیا و الیشع زندگی می‌کردند. گاهی تعداد این انبیاء افزون بر صد نفر می‌شد. آنها غالباً به صورت گروههایی از شاگردان یکی از انبیای بنام، درکنار یکدیگر در مکانی مقدّس دور هم جمع می‌شدند. با یکدیگر غذا می‌خوردند و حتّی سرکردهٔ آنان (الیشع) بود برایشان غذا می‌پخت (پادشاهان ۴: ۳۸[1])، با یاری یکدیگر خانه می‌ساختند (پادشاهان ۶: ۲ـ۱[2])، حتّی برخی از آنان ازدواج کرده (پادشاهان ۴: ۱[3]) و صاحب خانواده و منزل شخصی بودند. (پادشاهان ۱۳: ۱۵[4]). آنان در بیت ئیل، اریحا و کنار رود اردن زندگی می‌کردند. (Schade: 713 ;perling: 569 Paul, vol.16)

۵ـ۴) نبوّت دروغین

بحث نبوّت دروغین به نحوی که در عهد عتیق مطرح است، در قرآن مطرح نشده و بیشتر به بحث سحر و کهانت اشاره شده است. عهد عتیق علاوه بر نبوّت حقیقی و راستین، از نبوّت دروغین و نبوّتی که از سوی خداوند نبوده بلکه از جانب خدایی دروغین بوده، سخن به میان آورده است. انبیای بعل، از سوی خود سخن می‌گفتند و تعلیم می‌دادند بدون آن که از سوی خداوند الهامی را دریافت کرده باشند. گاهی در یک زمان می‌شد که انبیای فراوانی با آرای متفاوتی وجود داشتند که عدّه‌ای در نبوّتشان صادق بودند و آنچه راکه بر ایشان از سوی خدا الهام می‌شد بیان می‌داشتند؛ ولی عدّه‌ای با حدس وگمان سخن می‌گفتند تا دستمزدی بگیرند و

۱. یک روز که گروه انبیاء نزد الیشع جمع شده بودند، او به خادمش گفت: دیگ بزرگی بردار و برای انبیاء آش بپز.

۲.... همان‌طور که می‌بینید، جایی که ما زندگی می‌کنیم خیلی کوچک است، پس اجازه بدهید به کنار رود اردن برویم، چوب بیاوریم و خانهٔ بزرگ‌تری بسازیم.

۳. روزی بیوهٔ یکی از مردان گروه انبیاء الیشع آمده با التماس گفت: شوهرم مرده است.

۴. نبی پیر به او گفت: همراه من به خانه‌ام بیا تا با هم خوراکی بخوریم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

در جامعه به فسق و فجور روی می‌آوردند. (پرچم، ۲۱۶)

پیامبر دروغین، خوابهایی را که می‌دید به گونه‌ای بیان می‌کرد که گویی کلام خداوند است، کلام نبی راستین را می‌ربود و وانمود می‌کرد که با خداوند ارتباط دارد، به دروغ پیشگویی می‌کرد (Paul & Sperling, vol.16: 576) از الهامات خود پیروی می‌کند و مدعی است که این الهامات از سوی خداوند است. نبی دروغین نمی‌توانست لیاقت و راستی کلامش را ثابت کند. او قصد فریب و نابودی افراد را دارد. نبی دروغین اهل زنا، شرابخواری و دروغگویی است. از نبوّت خود برای امرار معاش استفاده می‌کند، مطابق میل مردم سخن می‌گوید، نه مطابق با واقع، آینده را خوب پیشگویی می‌کند، آینده‌ای که سرشار از سعادت است و به مردم اطمینان دروغین می‌دهد. (Leon-Dufour: 469)

از زمان پیدایش بت‌پرستی، انبیای دروغین بتها نیز شکل گرفتند و به ترویج و تبلیغ پرستش این خدایان دروغین پرداختند. آنها مدّعی شدند که از سوی آنان مأمور هستند. (هاکس ۱۳۷۷: ۱۸۱) از آنجا که حدود ۲۰ سال، سِفر شریعت موسی که همان تورات بود گم شده بود و این امر موجب انحراف وگمراهی مردم شده بود، آنان از احکام الهی فاصله گرفته بودند و به بت‌پرستی روی آورده بودند، تا آن که در زمان یوشیا پادشاه یهودا تورات پیدا شد و یوشیا که پادشاهی معتقد بود آن را خواند و بسیار ناراحت شد، چرا که دید مردم از دستورهای موسی علیه‌السلام چه قدر فاصله گرفته و منحرف شده‌اند. از آن پس یوشیا تمام آثار بت‌پرستی را محو کرد (پادشاهان۲۲و۲۳: ۲۵ـ۱)؛ امّا بعد از او پادشاهان یهودا دوباره نسبت به خداوند گناه ورزیدند. از عمده موارد ارتداد و رویگردانی از دین یهوه، دسیسه‌های همسران خارجی پادشاهان و شاهزادگان یهودی و نفوذ آنان بود. (اپستاین۱۳۸۵: ۴۹)

در کنار انبیای دروغین در عهد عتیق، از نبیه دروغین نیز سخن به میان آمده است. نحمیا از یکی از پیامبران زن به نام نوعدیه یاد می‌کند که با وی مخالفت می‌ورزید و او را دروغین تلقی می‌نمود. (نحمیا۶: ۱۴۳۲) حزقیال نیز از دخترانی سخن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

می‌گوید که افکار خود را به عنوان کلام و پیام الهی اعلام می‌کنند، در حالی که کلام خداوند بر ضد آنان است: «وای بر شما که قوم من را گمراه می‌کنید. به بازوهایتان طلسم و جادو می‌بندید و دستار افسون به مردم می‌فروشید تا بتوانید اختیار زندگی دیگران به دست بگیرید... از این رو من به ضد سحر و جادوی شما هستم که با آنها زندگی افراد قوم من را طلسم کرده‌اید و مانند پرنده‌ای به دام انداخته‌اید... ایشان دیگر در دام شما نخواهند بود تا بدانید که من خداوند هستم...» (حزقیال ۱۳: ۲۳ـ۱۷).

در عهد عتیق، می‌بینیم که انبیای دروغین محکوم شده‌اند: «اینان کسانی هستند که قوم را گمراه کرده و تنها برای افرادی که به آنان پول دهند، با صدای بلند سلامتی می‌طلبند، ولیکن تاریکی شب آنها را فرو خواهد گرفت تا دیگر رویا نبینند...»، آنان از منافع سلاطین حفاظت می‌کردند،[1] «پادشاهان به آنان می‌گفتند: برای ما نبوّت نکنید و حقیقت را نگویید، سخنان دلپذیر به ما بگویید و رویاهای شیرین برای ما تعریف کنید.» (اشعیا ۳۰: ۱۰و۱۱)

این انبیاء نام خدا را فراموش کرده‌اند و با دروغهای خود کاری می‌کنند تا مردم قوم اسرائیل، خدا را فراموش و رها کنند؛ آنان را به گناه کشانند و گمراه کنند؛ همانطور که پدرانشان خدا را فراموش کرده و دنبال بت بعل رفتند. (ارمیا ۲۳: ۱۳[2]) انبیای دروغین از خداوند دور هستند؛ حتی در خانه خدا نیز شرارت می‌ورزند. از این رو، راهی که می‌روند تاریک و لغزنده است و در آن لغزیده، خواهند افتاد؛ پس در زمان معین بر آنها بلا نازل خواهد شد و مجازات خواهند شد. (ارمیا ۲۳: ۱۱و۱۲[3])

۱. به عنوان نمونه قاصدی که به دنبال میکایا رفته بود به او گفت تمام انبیاء (که در واقع دروغین بودند) پیشگویی کردند که پادشاه (اخاب) پیروزخواهد شد؛ پس تو نیز چنین پیشگویی کن. (پادشاهان ۲۲: ۱۳)

۲. انبیای سامره بسیار شرور بودند. آنها از سوی بت بعل پیام می‌آورندو با این کار اسرائیل را به گناه می‌کشانند.

۳. کاهنان هم مانند انبیاء از من دور هستند؛ حتّی در خانهٔ من نیز شرارت می‌ورزند. از این‌رو، راهی که می‌روند تاریک و لغزنده خواهد بود و در آن لغزیده خواهند افتاد؛ پس در زمان معیّن بر آنها بلا نازل خواهم کرد و مجازاتشان خواهم نمود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

«رویاهای ایشان باطل است و پیشگویی‌هایشان دروغ. می‌گویند که پیغامشان از جانب خداوند است، در حالی که خداوند ایشان را نفرستاده است و هرگز با آنان سخن نگفته است. با وجود این انتظار دارند کـه پـیشگویی‌هایشان عـملی شـود» (حزقیال۱۳: ۶و۷)، «آنان از فکر خود رؤیاهایی تعریف می‌کنند و بـه دروغ مـی‌گویند پیامهایشان از جانب خداوند است؛ حال آن که خداوند حتی کلمه‌ای با آنان سخن نگفته است.» (حزقیال۲۲: ۲۸)

حال، نبی که جسارت کرده و به اسم خداوند سخن گفته است و یا به نام خدایان سخن گفته است خداوند از او متنفر است (تثنیه۱۸: ۱۲[1]) و قطعا آن نبی به شمشیر و در جنگ یا قحطی نابود خواهد شد. خداوند در عهد عتیق، اشاره می‌کند که «من این انبیای فریبکار را که به نام من پیام می‌آورند مجازات خواهم کرد؛ زیرا من بـه ایشان سخنی نگفته‌ام. آنها می‌گویند که نه جنگ می شود نه قحطی، پس ایشان را در جنگ و قحطی هلاک خواهم ساخت.» (ارمیا۱۴: ۱۵) سزای نبوّت دروغین اسیری، تبعید و دفن در سرزمین بیگانه خواهد بود. (ارمیا۲۰: ۶[2]) این افراد باید کشته شوند، چراکه «هر پیامبری که به دروغ ادعا کند پیامش از جانب من است، خواهد مرد و هر پیامبری که ادعا کند پیامش از جانب خدایان دیگر است، باید کشته شود.» (تثنیه۱۸: ۲۰)

به این افراد به عنوان مجازات بعد از مرگ «زهر و خوراک تلخ خورانده خواهد شد؛ چون باعث شده‌اند که گناه در سراسر سرزمین اورشلیم رواج یابد، بنابراین به سخنان این انبیای دروغگو کـه امـیدهای بـیهوده مـی دهند گـوش نـدهید، چـون سخنانشان پرداخته ذهنشان است نه از سوی خداوند.» (ارمیا۲۳: ۱۵و۱۶)

۱. خداوند از تمام کسانی که دست به چنین کارهایی می‌زنند متنفّر است.

۲. تو ای فحشور (کاهنی بود در زمان ارمـیای نـبی کـه بـه دروغ پـیشگویی مـی‌کرد)، بـا تـمام اعـضای خانواده‌ات اسیر شده، به بابل خواهید رفت و در همان‌جا خواهید مرد و دفن خواهید شد؛ هم تو و هم تمام دوستانت که برای آنها به دروغ پیشگویی می‌کردی که اوضاع خوب و آرام است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

۶. نتیجه

با بررسی نبوّت در قرآن و عهد عتیق، می‌توان به نتایجی چند رهنمون شد: در هر دو دین الهی، بحث نبوّت و نبی وجود دارد و فلسفهٔ نبوّت و هدف آن در هر دو کتاب در برخی موارد مشترک است، انبیای الهی از اوصاف مشترکی برخوردارند، آنان برای دریافت کلام الهی از طرق مشترکی بهره می‌گیرند، ولی با این حال همهٔ این انبیاء در یک درجه و مرتبه نبودند و برخی بر برخی دیگر برتری داشتند. در عین این شباهتها، عهد عتیق ویژگیهای خاصّی در باب نبوّت دارد: عناوینی خاصّ در کنار عنوان نبی وجود دارد که به پیامبر خدا بار می‌شد، نبوّت گروهی در عهد عتیق وجود دارد و عدّه‌ای با هم نبوّت می‌کردند و در کنار یکدیگر می‌زیستند، نبیه (پیامبر زن) در کنار مردی که به عنوان نبی الهی بود وجود داشت و نبوّت دروغین نیز در کنار نبوّت راستین مطرح است.

منابع و ماخذ

ـ قرآن کریم. ترجمه فولادوند.

ـ کتاب مقدس. ترجمهٔ تفسیری، شامل عهد عتیق و عهد جدید.

۱. آریان پور کاشانی، منوچهر. فرهنگ جامع پیشرو آریان پور. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه.

۲. ابن‌بابویه، محمّدبن علی. علل الشرایع و الاسلام. مترجم و محقق: محمّدجواد ذهنی تهرانی. قم: مومنین.

۳. ــــــــــ. معانی الاخبار. مترجم: عبدالعلی محمّدی شاهرودی. تهران: دارالکتب الاسلامیّه.

۴. ابن‌منظور، محمّدبن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار صادر.

۵. اپستاین، ایزیدور. یهودیّت بررسی تاریخی. مترجم: بهزاد سالکی. تهران: چاپ اوّل، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

۶. بعلبکی، روحی. المورد المیسّر قاموس عربی ـ انکلیزی مُبَسَّط. بیروت: چاپ چهارم، دارالعلم للملایین.
۷. پرچم، اعظم. بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوّت از دیدگاه قرآن و عهدین. اصفهان: چاپ اوّل، کنکاش.
۸. جلالی، غلامرضا. آشنایی با تاریخ ادیان ابراهیمی. چاپ اوّل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایرانشهر، نشر مشهد.
۹. حامدی، گلناز. فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان. تهران: انتشارات مدحت.
۱۰. خرمشاهی، بهاء الدین. دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران: چاپ اوّل، دوستان و ناهید.
۱۱. رامیار، محمود. بخشی از نبوّت اسرائیلی و مسیحی. بی جا، بی نا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمّد. المفردات فی غریب القرآن. محقق: صفوان عدنان داودی. دمشق ـ بیروت: چاپ اوّل، دارالعلم ـ الدارالشامیه.
۱۳. سیوطی، جلال الدین. الاتقان فی علوم القرآن. قاهره: چاپ سوم، بی‌نا.
۱۴. صفایی، احمد. نبوّت عامه. تهران: چاپ اوّل، بی‌نا.
۱۵. طباطبایی، سیّد محمّدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
۱۶. طبرسی، فضل‌بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: چاپ سوم، ناصر خسرو.
۱۷. طریحی، فخرالدین. مجمع البحرین. تهران: چاپ سوم، کتابفروشی مرتضوی.
۱۸. عزالدوله، ابن کمونه. تنقیح الابحاث للملل الثلاث. تهران: چاپ اوّل، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۹. فراهیدی، خلیل‌بن احمد. کتاب العین. قم: هجرت.
۲۰. فهیم کرمانی، مرتضی. زن و پیام آوری. تهران: چاپ اوّل، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱.
۲۱. گواهی، عبدالرحیم. واژه‌نامهٔ ادیان (فرهنگ اصطلاحات دینی و عرفانی). تهران: چاپ اوّل، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۲. مصطفوی، حسن. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: چاپ چهاردهم، دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. نصری، عبدالله. مبانی رسالت انبیاء در قرآن. تهران: چاپ اوّل، واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

مرکزی جها دانشگاهی.

۲۵. هاکس، جیمز. قاموس کتاب مقدس. تهران: چاپ اول، اساطیر، ۱۳۷۷.

26. Badawi, Elsaid M. & Muhammad Abdel Haleem (2008), Arabic-English Dictionary Of Quranic Usage, Lwiden.Boston, Brill.

27. Bowker, John(1997), The Oxford Dictionary Of World Religions, first published, New York, oxford university press.

28. Dawson, , Christopher(1948), Religion & Culture, , London, Sheed & Ward.

29. Deninger, Johannes(1993), "Revelation" in The Encyclopedia Of Religion, Mircea, Eliade, New York, Macmillan Library.

30. Doniach, N.S(1998),The Oxford English-Hebrew Dictionary, NewYork, oxford university press.

31. Ellwood, Roberts. (1998), The Encyclopedia Of World Religions, New York , Facts & File,Inc.

32. Forlong, James G.R.(1999), Cyclopaedia Of Religions, London, Ganesha Publishing.

33. Hamlyn, Paul(1971), Hamlyn Encyclopedic World Dictionary, London.New York.Sydney.Toronto, Patrick Hanks.

34. Konig, E.(1981), "Prophecy)Hebrew(" In Encyclopaedia Of Religion Ethics ,James, Hastings, Edinburh, T.&T.Clark.

35. Landman, Isaac(1948), The Universal Jewish Encyclopedia New York, The Universal Jewish Encyclopedia Co. .

36. Leon-Dufour, Xavier(2004), Dictionary of Biblical Theology, Second

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]

Edition, London.New York, Burns & Oates.

37. Little, William(1973), The Shorter Oxford English Dictionary, London.New York, oxford university press.

38. Onions, C.T.(1966),The Oxford Dictionary Of English Etymology, London.New York, oxford university press.

39. Paul, , Shalom m.& Sperling, S.David(2007), " Prophets & Prophecy" In Encyclopaedia Judaica ed Skolnik, Fred, Encyclopaedia Judaica, second edition, USA, Thomson Gale (Macmillan Referance USA).

40. Schade, Johannes P.(2006), Encyclopedia Of World Religions, Franklin park, Concord Publishing. Foreign Media Books.

41. Smith, , G.V.(1986),"Prophecy False" in The International Standard Bible Encyclopedia ed Geoffrey, W.Bromiley, Willam B.Eerdmans Publishing Company, GrandRapids, MIChigan.

42. Webster, Merriam(1377), Webster's New Collegiate Dictionary, تهران: مهتاب، چاپ چهارم.

43. Wigoder , Geoffrey(2002), The New Encyclopedia Of Judaism, new york, University Press.

44. Willam Lane, Edward(1956), Arabic-English Lexicon, New York, Fredrick Ungar Publishing Co. .

45. Wilson, Robert(1993),"Biblical Prophecy" in The Encyclopedia Of Religion ed Eliade, New York ,Macmillan Library.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1390.8.31.7.1]